

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هفته‌نامه مطالعات راهبردی سیبل



مؤسسه مطالعات راهبردی اندیشه‌سازان نور

تنظیم و صفحه‌آرا: مرضیه روشن‌روان

شماره نشریه: 156

تاریخ انتشار: 1 شهریور 1400

تعداد صفحات: 30 صفحه



بررسی آرایش سیاسی عراق در آستانه انتخابات



رویداد

انتخابات پارلمانی زود هنگام عراق قرار است در ۱۰ اکتبر آتی (مهر ۱۴۰۰) برگزار شود. «جمانه الغلای»، سخنگوی کمیساریای عالی انتخابات، در بیانیه‌ای آمار نهایی شمار نامزدها، ائتلاف‌ها و احزاب حاضر در انتخابات آتی را به شرح ذیل اعلام کرده است:

۱- ائتلاف‌های انتخاباتی: ۲۱

۲- احزاب شرکت‌کننده: ۱۰۹

۳- احزاب حاضر در قالب ائتلاف‌ها: ۵۸ حزب

۴- شمار نامزدهایی که به صورت مستقل در انتخابات شرکت می‌کنند: ۷۸۹

۵- شمار نامزدهای حاضر در انتخابات در قالب ائتلاف‌ها: ۹۵۹

۶- شمار نامزدها در چارچوب احزاب: ۱۵۰۱

۷- شمار نامزدهای زن: ۹۵۱

۸- مجموع نامزدهای انتخاباتی: ۳۲۴۹

«جمانه الغلای»، سخنگوی کمیساریای عالی انتخابات گفته است که تحریم و عدم مشارکت احزاب و گروه‌های سیاسی در انتخابات پارلمانی آتی هیچ تاثیری بر روند انتخابات ندارد. الغلای با بیان اینکه هیچ نامزدی تاکنون درخواست انصراف از انتخابات را به این کمیساریا ارائه نکرده است، گفت: «همه آنچه درباره انصراف و تحریم انتخابات اعلام شده، تنها اظهار نظر است و ۳۲۴۹ نامزد انتخابات تا به امروز هیچ درخواستی برای کناره‌گیری از گردونه انتخابات ارائه نکرده اند». وی در پایان گفت: «اگر انصراف از نامزدی انتخابات به شکل صحیح و با درخواست رسمی هم انجام شود، تاثیری بر فرایند انتخاباتی ندارد».^۲

«حازم الردینی»، مدیر مرکز راهبردی حقوق بشر عراق نیز در بیانیه‌ای گفته است که تاکنون ۴ میلیون رای‌دهنده عراقی برای تحویل کارت‌های هوشمند انتخاباتی خود به کمیساریای عالی

1. <https://mdeast.news/2021/07/31/>

2. <https://mdeast.news/2021/07/29/>



انتخابات مراجعه نکرده اند. الردینی در ادامه از تمام رای دهندگانی که اطلاعات خود را به روز کرده اند خواست تا به مراکز ثبت نام مراجعه کنند زیرا علیرغم اینکه تنها ۶۵ روز به زمان انتخابات باقی مانده است، بیش از ۴ میلیون کارت هوشمند انتخاباتی تحویل داده نشده در مراکز ثبت نام باقی مانده است^۱.

تحلیل رویداد

عرصه سیاسی عراق شاهد حرکت مستمر برخی گروه‌ها و احزاب سیاسی از سه طیف هویتی - قومیتی عمده در مسیر تشکیل ائتلاف‌هایی برای ورود به انتخابات پارلمانی ۱۰ اکتبر آتی است. انتخابات زودهنگام پارلمانی عراق که براساس اعلام قبلی ۱۰ اکتبر سال جاری میلادی برگزار می‌شود، اهمیت فراوانی دارد. اگرچه برخی ززمه‌ها از مخالفت تعدادی از احزاب با برگزاری این انتخابات و تعویق آن تا اواسط سال ۲۰۲۲ حکایت دارد، بررسی آرایش سیاسی و چینش بازیگران در فضای پیش‌انتخاباتی اما حائز اهمیت به نظر می‌رسد. از سوی دیگر و با توجه به عدم امکان تغییر ائتلاف از سوی اعضای وارد شده به پارلمان براساس قانون جدید انتخاباتی، به نظر می‌رسد ائتلاف‌ها و چینش‌های دوره پیش از برگزاری انتخابات و ورود نمایندگان به پارلمان، اهمیت بیشتری یافته است. در این چارچوب شناسایی آرایش سیاسی در فضای انتخاباتی عراق، ضرورتی انکارناپذیر است که با منافع و مصالح محور مقاومت نیز ارتباط وسیعی خواهد داشت.

برای انتخابات پارلمانی آتی، عراق به ۸۳ حوزه انتخابیه تقسیم شده که شامل اقلیم کردستان نیز می‌شود و برای هر ۱۰۰ هزار نفر یک کرسی پارلمان در نظر گرفته شده است. هر حوزه انتخابیه یک نماینده زن در پارلمان خواهد داشت و به همین دلیل بسیاری از احزاب و گروه‌های سیاسی به دنبال استفاده حداکثری از فرصت حضور نمایندگان زن در پارلمان هستند و در فهرست خود، به معرفی کاندیدای زن توجه بیشتری نشان داده‌اند.

وضعیت چینش نیروهای سیاسی شیعیان

آنچه تاکنون در فضای سیاسی عراق قابل مشاهده به نظر می‌رسد، نشان‌دهنده نوعی گذار از تمرکز بر شاخصه‌های مذهبی و قومی به توجه به شاخصه‌های مدنی است. به عبارت دیگر نارضایتی شیعیان از فساد و ناکارآمدی، باعث شده تا حداقل میان بخش قابل توجهی از آن‌ها، دیگر دین، مذهب و قومیت ملاک اصلی برای گرایش سیاسی مردم نباشد. به همین دلیل به نظر می‌رسد حداقل بخش قابل توجهی از رای‌دهندگان با توجه به اعتراضات اکتبر سال ۲۰۱۹ تاکنون و همچنین فساد و ناکارآمدی متراکم برخی احزاب، رأی خود را با معیارهای جدیدی در صندوق





رأی بیاندازند. این معیارها طبیعتاً سمت و سوی ملی‌گرایانه و غیر مذهبی خواهد داشت.

صورت‌بندی وضعیت فعلی فضای پیش‌انتخاباتی نشان می‌دهد اگرچه شیعیان، وزن سیاسی بیشتری در پارلمان آتی خواهند داشت، اما از یک سو قدرت نیروهای مدنی و مستقلین در پارلمان افزایش می‌یابد و از سوی دیگر چالش‌های شیعیان برای تعیین نخست‌وزیر نسبت به دوره‌های قبل احتمالاً فزاینده‌تر خواهد بود. بخشی از دلایل این روندها به تغییر نظام انتخاباتی و تقویت آرای فردی بازمی‌گردد و بخشی نیز دلایل گفتمانی دارد و ناشی از ضعف جریان‌های اسلام‌گرا و تقویت ملی‌گرایی در عراق است. علاوه بر این با توجه به حضور پرشمار کاندیداهای مستقل، احتمال کاهش قابل توجه تعداد نمایندگان اسلام‌گرا در پارلمان آتی وجود دارد.

اعلام کناره‌گیری مقتدی صدر از شرکت در انتخابات زود هنگام پارلمانی، اگرچه با مخالفت کمیساریای عالی انتخابات مواجه شد، اما ائتلاف احتمالی پسا‌انتخاباتی صدری‌ها با برخی احزاب از جمله حزب دموکرات کردستان را در حاله‌ای از ابهام قرار داده است. هرچند که برخی معتقدند صدر به دنبال تعویق انتخابات است، اما فضای سیاسی عراق نشان می‌دهد گفتمان غالب، همچنان برگزاری انتخابات در اکتبر آینده است. اگرچه در هفته‌های اخیر برخی ائتلاف‌ها از جمله ائتلاف وابسته به ایاد علاوی نیز از شرکت در انتخابات انصراف دادند. به هر روی اخبار ضد و نقیض نشان می‌دهند که صدری‌ها به دنبال تعویق انتخابات هستند.

ائتلاف فتح تاکنون و هم‌راستا با تغییرات جدید در قانون انتخابات، با مشارکت حدود ۵ ائتلاف دیگر در انتخابات آتی حاضر خواهد شد. این ائتلاف احتمالاً پس از تشکیل پارلمان و در فرآیند انتخاب نخست‌وزیر با اتحادیه میهنی در کردستان همراه شود. با توجه به وضعیت سیاسی عراق و سیاست‌ها و مواضع سید عمار حکیم و حیدر العبادی، بعید به نظر می‌رسد که سایر جریان‌های شیعی از جمله نصر به رهبری حیدر العبادی و حکمت ملی به رهبری عمار الحکیم به ائتلاف فتح پیوندند.

ائتلاف‌های برگرفته از گروه‌های شیعه عبارتند از: ائتلاف فتح به رهبری هادی العامری و قیس الخزعلی، ائتلاف دولت قانون به رهبری نوری المالکی، نخست‌وزیر پیشین عراق که جنبش اراده و حزب الله عراق و جنبش جوانان و برخی گروه‌های وابسته به حزب الدعوه از جمله این ائتلاف هستند. ائتلاف نیروهای دولت ملی به رهبری عمار الحکیم که حیدر العبادی نخست‌وزیر سابق عراق رهبری شورای ریاستی آن را بر عهده دارد. جریان صدر به رهبری مقتدا صدر که بدون شریک (سیاسی) وارد رقابت انتخاباتی خواهد شد و ائتلاف تصحیح به رهبری همام حمودی که شامل مجلس اعلای اسلامی و سازمان عمل اسلامی می‌شود.^۱





وضعیت چینش نیروهای سیاسی اهل سنت. در این میان، به چند جریان اصلی در اهل سنت می‌توان اشاره کرد: جریان متمرکز در استان الانبار به رهبری محمد الحلبوسی، رئیس فعلی پارلمان که مورد حمایت امارات عربی متحده هستند، جریان متمرکز بر موصل به رهبری اسامه النجیفی که از سوی ترکیه حمایت می‌شوند، سنی‌های فعال در استان صلاح‌الدین که مورد حمایت عربستان هستند و بخشی از آن‌ها ذیل رهبری احمد الجبوری قرار دارند و تشکل سیاسی «العزم» به رهبری خمیس الخنجر که بیشتر مورد حمایت قطر است.

بنابراین می‌توان ادعا کرد که نقشه سیاسی اهل تسنن این کشور از سه ائتلاف اصلی تشکیل شده که اولی به ریاست خمیس الخنجر، چهره سیاسی و تاجر عراقی، دومی به ریاست اسامه النجیفی، معاون رئیس جمهور سابق عراق و سومی به ریاست محمد الحلبوسی، رئیس پارلمان فعلی این کشور در حال فعالیت هستند. به نظر می‌رسد در میان جریانات اثرگذار اهل سنت، محمد الحلبوسی، رئیس فعلی پارلمان با توجه به فعالیت گسترده‌تری که دارد، احتمالاً بتواند آرای بیشتری برای خود و حزب متبوعش کسب کند. هرچند که خمیس الخنجر نیز سودای کسب ۴۰ کرسی پارلمانی را دارد.

وضعیت چینش نیروهای سیاسی اکراد: کردها در انتخابات پارلمانی پیش رو همچنان در قالب دو جریان سنتی خود، یعنی حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی نقش‌آفرینی خواهند کرد. فضای سیاسی اقلیم کردستان عراق و کشگری بازیگران خارجی در این منطقه، شرایط را برای ایفای نقش سایر جریان‌ها محدود کرده است. در این شرایط، مسائل اساسی کردها، همچنان در آینده در تعامل با بغداد تعریف خواهد شد. البته درگیری‌های اخیر در دو جناح حزب اتحادیه میهنی، زمزمه‌های شکاف در این حزب را مطرح کرده و به نظر می‌رسد امکان تضعیف اتحادیه در آستانه انتخابات پارلمانی آتی وجود دارد. چه‌اینکه در روزهای اخیر، رویارویی بافل طالبانی و لاهور شیخ جنگی دو رئیس مشترک اتحادیه میهنی، سبب بروز برخی ناآرامی‌ها در اقلیم کردستان عراق (سلیمانیه) شد و به نظر می‌رسد جریان طالبانی، شیخ لاهور جنگی را از قدرت دور خواهد کرد.

شاید تفاوت مهم انتخابات زودهنگام آینده با انتخابات‌های پیشین برای کردها، اثرگذاری فزاینده جریان‌های کردی در روند تعیین فراکسیون اکثریت و انتخاب نخست‌وزیر باشد. تشتت میان شیعیان عراق، فضا را برای نقش‌آفرینی کردها بیش از گذشته فراهم کرده است و احزاب کرد به‌ویژه حزب دموکرات کردستان به دنبال بهره‌برداری از این فرصت هستند. برخی اظهارات چهره‌های اهل سنت از جمله الحلبوسی مبنی بر اینکه ریاست جمهوری عراق، می‌تواند از آن اهل سنت باشد و واکنش برخی احزاب شیعه به این ادعا، نشان می‌دهد که شیعیان و کردها، همچنان قائل به تقسیم سه منصب اصلی کشور بر روال فعلی هستند.





با این اوصاف، احزاب سیاسی کردستان عراق به طرق مختلف خود را برای انتخابات زودهنگام پارلمانی این کشور آماده می‌کنند. حزب دموکرات کردستان عراق به صورت مستقل پا به عرصه انتخابات خواهد گذاشت اما اتحادیه میهنی کردستان ضمن اعلام ائتلاف کردستانی با جنبش تغییر، با دو حزب اسلامی این منطقه نیز توافقنامه انتخاباتی امضاء کرده است.

خسرو گوران، مسئول دفتر انتخاباتی حزب دموکرات کردستان عراق اعلام کرده است که حزب متبوع وی در ۳۰ حوزه انتخابیه در سراسر عراق دارای ۵۵ کاندیدا خواهد بود. بیشترین تمرکز انتخاباتی حزب مسعود بارزانی همچون دوره‌های گذشته در استان‌های اربیل و دهوک در اقلیم کردستان خواهد بود. اگرچه پس از حوادث ۱۶ اکتبر سال ۲۰۱۷ حزب دموکرات کردستان عراق در کرکوک حضور نداشته است اما در انتخابات این استان نیز مشارکت خواهد داشت.^۱

استان کرکوک به ۳ دایره انتخاباتی تقسیم شده که ۱۳۶ نامزد از جمله ۳۶ زن در آن رقابت می‌کنند تا به تمام کرسی‌های این استان و یک کرسی مسیحیان دست یابند. با آغاز تدارکات در استان کرکوک برای اجرای انتخابات پیش از موعد عراق، جالب توجه‌ترین موضوع در این استان بازگشت حزب دموکرات کردستان به رهبری «مسعود بارزانی» به کارزار انتخاباتی در این استان پس از تحریم آن در دوره قبل است.^۲

همچنین حزب اتحادیه میهنی کردستان که در دوره قبل تنها تشکل کرد بود که در انتخابات کرکوک شرکت کرد، این بار هم نام تشکل انتخاباتی خود و هم به جز یکی، همه نمایندگانش از این استان را تغییر داده است.

این دو حزب بزرگ کرد، در کرکوک با دو حزب کرد دیگر رقابت می‌کنند. ضمن اینکه دو تشکل ترکمان نیز در این استان خود را برای رقابت آماده می‌کنند. یکی از این دو تشکل ترکمان که در سال ۲۰۱۸ برنده آرای ترکمانان استان شده بود، در این دوره همه نمایندگان سابق خود را نامزد کرده است. مسیحیان نیز که باید به حکم قانون «کوئا» یک کرسی از این استان داشته باشند با چهار لیست انتخاباتی رقابت می‌کنند.^۳

همچنین برخی مسئولان کردی و عراقی از نفوذ شماری از نامزدهای مرتبط با حزب کارگران

۱. خبرگزاری تسنیم، آرایش احزاب سیاسی کردستان عراق پیش از انتخابات زودهنگام پارلمانی، ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۰، قابل دستیابی در سایت: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/02/13/2496450/>

۲. حزب دموکرات کردستان که در سال ۲۰۱۸ حاضر به مشارکت در انتخابات کرکوک نشده بود، این بار ۲ نامزد را در همین دایره انتخاباتی معرفی کرده است. «شاخوان عبدالله»، یکی از این دو نامزد که پیش‌تر از نماینده مجلس عراق بوده، می‌گوید شمار اندک نامزدهای حزب دموکرات در کرکوک به نظام انتخاباتی مربوط می‌شود و افزود که استراتژی حزب دموکرات معرفی نامزدهای اندک برای تضمین پیروزی است.

3. <https://mdeast.news/2021/08/01/>





کردستان ترکیه (پ ک ک) در انتخابات پارلمانی آتی در قالب احزاب و جریان‌های ایزدی و از طریق حوزه انتخابیه سوم در استان نینوا و مشخصاً در شهر سنجار و اطراف آن خبر دادند. ناظران تحولات سیاسی عراق معتقدند که این اقدام در راستای ایجاد پوشش سیاسی برای پ ک ک در درون شهر سنجار و رقابت با احزاب سنتی کرد و مشخصاً حزب دموکرات اقلیم کردستان به رهبری «مسعود بارزانی» در کنار دیگر گروه‌های سیاسی عرب سنی است¹.

نتیجه‌گیری و ارزیابی

انتخابات زودهنگام پارلمانی در عراق در اکتبر آینده، اهمیت فراوانی در معادلات داخلی و حتی منطقه‌ای خواهد داشت. آرایش سیاسی فعلی نشان از افزایش تکثر در پارلمان آتی و احتمالاً کاهش تعداد کرسی‌های شیعیان در آن دارد. از این رو فرآیند تعیین فراکسیون بزرگتر و معرفی نخست‌وزیر نیز احتمالاً با چالش‌های بیشتری مواجه می‌شود.

با توجه به احتمال افزایش نیروهای سیاسی مستقل که بخش مهمی از آن‌ها خاستگاه اعتراضاتی، جوکری و تشرینی دارند و همچنین رویکرد گروه‌هایی نظیر جریان صدر نسبت به ایران، به نظر می‌رسد تشکیل دولت آتی با دشواری‌های بیشتری نسبت به گذشته مواجه شود و نمایندگانی با صبغه ضد ایرانی یا «بیگانه با اهداف محور مقاومت» از پارلمان سر بر آورند.



نگاه اسرائیلی به حضور چین در منطقه



رویداد

در ژوئیه ۲۰۲۱، وزیر خارجه چین وانگ یی از سوریه، مصر و الجزایر دیدن کرد و با مقامات ارشد اتحادیه عرب دیدار کرد. این دومین سفر وانگ به خاورمیانه در سال جاری، پس از سفر وی در ماه مارس به شش کشور عربستان، امارات متحده عربی، عمان، بحرین، ایران و ترکیه بود. علاوه بر مسائل تجاری، این بازدیدها به سه موضوع اصلی اختصاص یافت: ترویج توزیع واکسن‌های کووید-۱۹ چین؛ سرمایه‌گذاری‌های چینی در چارچوب ابتکار کمربند و جاده؛ و درگیری اسرائیل و فلسطین. در این مقاله به بررسی نوع نگاه رژیم صهیونیستی به روابط چین با کشورهای منطقه و تأثیر آن بر اسرائیل می‌پردازیم.

تحلیل رویداد

پس از فروش و اهدای واکسن‌ها و تجهیزات پزشکی چینی به کشورهای منطقه، چین می‌خواهد تأسیسات تولید بومی این واکسن را مورد تأکید قرار دهد. در سفر به امارات، چین کارخانه‌ای برای تولید ۲۰۰ میلیون دوز در سال برای تولید واکسن سینوفارم راه‌اندازی کرد. در مصر، وزیر چینی به طور رسمی کارخانه تولید واکسن‌های سینوفارم را افتتاح کرد، که یک ماه زودتر شروع به کار کرد و انتظار می‌رود حدود ۴۰ میلیون دوز در سال تولید کند. راه‌اندازی تأسیسات سوم، سینوفارم در سفر به الجزایر اعلام شد. توزیع واکسن‌ها برای چین مهم است، زیرا به دنبال بازگرداندن آسیب دیده خود، در پی همه‌گیری ویروس، سود اقتصادی، و استفاده از این حرکت به عنوان وسیله‌ای برای نفوذ سیاسی است.

موضوع سرمایه‌گذاری‌های چینی به عنوان بخشی از ابتکار کمربند و جاده است که شخصاً توسط رئیس‌جمهور چین ترویج شده و تجسم منافع اصلی چین است. این ابتکار که طیف وسیعی از پروژه‌ها را در سراسر جهان شامل می‌شود، توسط چین برای ایجاد نوعی باشگاه جهانی تحت رهبری خود، به نام چشم‌انداز هماهنگی، همکاری و وحدت جهانی - «جامعه‌ی سرنوشت مشترک برای بشریت» استفاده می‌شود. در الجزایر، وانگ اعلام کرد که «چین همیشه عضو اردوگاه کشورهای در حال توسعه



خواهد بود و از همان هوا تنفس می‌کند و سرنوشت مشترکی با کشورهای در حال توسعه دارد». این چشم انداز آرمانشهری، که شامل درخواست برای «برابری حاکمیتی» و عدم دخالت در امور داخلی کشورها می‌شود و همچنین سرمایه‌گذاری‌های آینده به مبلغ ۷۵۰ میلیارد دلار را وعده می‌دهد، برای بسیاری از کشورها، به ویژه کشورهای در حال توسعه، که در بحران اقتصادی به سر می‌برند یا به شدت ناامید هستند و نیاز به سرمایه‌گذاری دارند، جذاب است. کمتر از ۱۳۹ کشور به ابتکار کمربند و جاده پیوسته اند، از جمله ۱۷ کشور از خاورمیانه و شمال آفریقا.

همه کشورهایی که وانگ از آنها دیدن کرد قبلاً به این طرح پیوسته اند، اما منافع چین در آنها متفاوت است. در ماه مارس، این سفر شامل کشورهای حاشیه خلیج فارس و ایران و ترکیه بود که همه آنها دارای رژیم‌های با ثباتی بودند - اکثر آنها دارای اقتصادهای قوی بودند - و چین در آن سرمایه‌گذاری‌های متعددی داشته و مشتاق حضور بیشتر است. از سوی دیگر، سفر ماه ژوئیه شامل کشورهایی بود که تحت تأثیر «بهار عربی» قرار گرفته اند. دو مورد از آنها، سوریه و الجزایر، در حال عبور از بحران‌های طولانی و عمیقی هستند و شرکت‌های چینی تمایلی به سرمایه‌گذاری سنگین در آنجا ندارند. مصر برای چین پایدارتر و مهمتر است، اما همچنان نیاز به سرمایه‌گذاری قوی در زیرساخت‌ها دارد و توانایی‌های اقتصادی آن بسیار کمتر از همسایگانش در خلیج فارس است. سرمایه‌گذاری‌های چینی متناسب با نیازهای کشورهای مقصد و همچنین منافع چین است. در ترکیه برای مثال، وزیر امور خارجه چین بر ضرورت تقویت «پروژه کریدور میانه» - ابتکار قزاقستان، گرجستان و آذربایجان برای توسعه یک مسیر حمل و نقل بین‌خزری که اروپای شرقی را از طریق ترکیه، قفقاز و دریای خزر و آسیای میانه به چین متصل می‌کند - تأکید کرد. وی همچنین خواستار همکاری در زمینه فناوری پیشرفته، 5G و اقتصاد دیجیتال شد. در امارات، وی در مورد گسترش همکاری در زمینه‌های انرژی، فناوری پیشرفته و فناوری‌های جدید صحبت کرد. در بحرین، او در مورد همکاری به عنوان بخشی از طرح کمربند و جاده در زمینه انرژی، 5G، زیرساخت‌ها، تجارت الکترونیکی و داده‌های بزرگ صحبت کرد. در مقابل، در کشورهای در حال توسعه که در ماه ژوئیه به آنجا سفر کرد، وی عمدتاً به اظهارات کلی در مورد لزوم گسترش همکاری زیر سایه طرح کمربند و جاده اکتفا کرد. چین با ترویج سرمایه‌گذاری در کشورهای توسعه یافته در زمینه‌های زیرساخت و فناوری‌های پیشرفته، که برای چین مهم هستند، و با اعلامیه‌هایی که امید را در کشورهای در حال توسعه برانگیخته است، مایل است که نفوذ خود را در خاورمیانه تقویت کند و از کشورهای منطقه برای حمایت استفاده کند و به طور کلی تصویر خود را بهبود می‌بخشد، در حالی که به نظر می‌رسد ایالات متحده در حال عقب‌نشینی از منطقه است.

سومین موضوع اصلی در این سفر، مناقشه اسرائیل و فلسطین بود. چین تمایل دارد این موضوع را





در مجامع مختلف بین‌المللی و در دیدار با رهبران عرب مطرح کند. اظهارات چنین نشان می‌دهد که این کشور، مسئله فلسطین را در قلب مشکلات خاورمیانه می‌بیند که صلح و امنیت پایدار در منطقه به حل آن بستگی دارد. بر این اساس، در همه جلسات وزیر خارجه چین به این موضوع اشاره شد و در دو مورد از آنها، برنامه‌های عملی نیز ارائه گردید. در ماه مارس، وانگ در عربستان سعودی یک برنامه پنج مرحله‌ای برای دستیابی به صلح و امنیت در خاورمیانه ارائه کرد. وزیر امور خارجه پس از بیان نیاز عمومی به «حمایت از احترام متقابل»، از قصد چین برای طرح اختلافات جاری در شورای امنیت سازمان ملل متحد، حمایت از راه حل دو دولتی و دعوت از صلح جویان دو طرف، برای مذاکره صحبت کرد. در ماه ژوئیه، در جریان سفر به مصر، او سه ایده را برای دستیابی به راه حل دو دولتی مطرح کرد: ارتقای وضعیت تشکیلات خودگردان فلسطین، حمایت از وحدت جناح‌های فلسطینی و تشویق به از سرگیری مذاکرات صلح بر اساس راه حل دو کشوری.

این اولین بار نیست که چین نمایندگان هر دو طرف را به چنین مذاکراتی دعوت می‌کند، یا برنامه‌هایی با مراحل مختلف برای حل مناقشه مطرح می‌کند. با این حال، در عملیات «نگهبان دیوارها» در ماه مه، چین از سیاست «عدم مداخله» خود خارج شد، در حالی که به طور کلی از طرفداری در اختلافات اجتناب می‌کند. چین خواستار جلسات شورای امنیت سازمان ملل متحد در این زمینه شد، بیانیه‌هایی تدوین کرد و از قطعنامه‌هایی در محکومیت اسرائیل حمایت کرد. وزیر امور خارجه وانگ شخصا در شورای امنیت سخنرانی کرد و اعلام کرد که راه حل دو کشور «آخرین راه حل» برای پایان دادن به درگیری است و دعوت خود را از «صلح جویان» از هر دو طرف تکرار کرد.

در واقع، حدود یک ماه بعد، چنین مذاکراتی با مشارکت نمایندگان اسرائیلی انجام شد که شامل یوسی بیلین، میشل روزین، اسرائلا اورون و گادی بالتیانسکی بود. دو نفر از آنها قبلاً نمایندگان کنست بودند و سه نفر از آنها از سران ابتکار ژنو برای ترویج حل و فصل دائمی اختلافات بین اسرائیل و فلسطینی‌ها هستند. رهبری هیئت فلسطینی را احمد مجدلانی، وزیر توسعه اجتماعی، عضو کمیته اجرایی ساف و دبیر کل جبهه مبارزه مردمی، که با فتح مرتبط است، بر عهده داشت. به عبارت دیگر، از هر دو طرف، چین افرادی را دعوت کرد که به مذاکره عادت دارند اما فاقد هرگونه اقتدار سیاسی هستند. شرکت کنندگان در مذاکرات قبلی که توسط چین آغاز شده بود دارای پیش زمینه‌های مشابهی بودند، بنابراین واضح است که تلاش‌های چین عمده‌ت‌نمادین است و بیشتر جنبه ذهنی دارد تا اهداف عملی. خود وانگ در سخنرانی خود در شورای امنیت، بین «صلح جویان» دعوت شده به «گفتگو» و «مذاکره کنندگان» از هر دو طرف که به «مذاکرات مستقیم» در چین دعوت شده بودند، تفاوت قائل شد.

بنابراین چین از مناقشه اسرائیل و فلسطین به عنوان یک لفاظی مثبت برای مخاطبان عرب و مسلمان





استفاده می‌کند. چین با ارجاع مکرر به مناقشه و «حقوق مشروع مردم فلسطین در سرزمین‌های اشغالی»، دعوت به مذاکرات در پکن و جلسات «صلح جویان»، به دنبال این است که برای خود تصویری از یک قدرت مسئول در کنار یک اقلیت مظلوم ایجاد کند و پیشنهاد می‌کند که کمک برای دستیابی به راه حل، به نفع هر دو طرف خواهد بود. بنابراین، مناقشه اسرائیل و فلسطین به فهرست موضوعاتی می‌پیوندد که چین می‌تواند از آن برای طعنه زدن به ایالات متحده استفاده کند و در عین حال انتقاد از رفتار خود با اقلیت اوغور را نیز کم می‌کند. وزیر امور خارجه وانگ در جریان عملیات نهبان دیوارها، هنگامی که ایالات متحده به متن بیانیه شورای امنیت سازمان ملل علیه اسرائیل که توسط چین و دیگر اعضای شورای امنیت تهیه شده بود اعتراض کرد، اظهار داشت که ایالات متحده «در طرف مقابل عدالت بین‌المللی ایستاده است». (اما از بریتانیا نیز که مخالف بود نامی نبرد).

اسرائیل بازدید وانگ از خاورمیانه را با علاقه کمی دنبال می‌کند. تجربیات گذشته نشان می‌دهد که چین سریعاً اعلام حمایت می‌کند اما به طور کلی تنها به اقدامات نمادین بسنده می‌کند و احتمال اینکه شرکت‌های چینی برای بازسازی ویرانه‌های سوریه سرعت عمل به خرج بدهند بسیار کم است؛ همان طور که انتظار چندانی برای سرمایه‌گذاری قابل توجه قریب الوقوع در نوار غزه وجود ندارد. از سوی دیگر، انتظار نمی‌رود که قاطعیت فزاینده چین در سازمان‌های بین‌المللی کاهش یابد و احتمالاً به حمایت فلسطینیان در مقابل اسرائیل ادامه خواهد داد.

نتیجه‌گیری

تاکنون اسرائیل و چین در حفظ سیاستی که روابط اقتصادی و منافع متقابل را از اختلافات سیاسی جدا می‌کند، نسبتاً موفق بوده‌اند. بنابراین، چین همچنان به حمایت از ایران و فلسطینیان ادامه می‌دهد، بدون آنکه آسیبی به روابط اقتصادی این کشور با اسرائیل وارد شود، و در عین حال که از روابط ویژه اسرائیل با ایالات متحده آگاه است، به روابط اقتصادی خود با اسرائیل ادامه می‌دهد. اما با افزایش رقابت بین چین و آمریکا، انتظار می‌رود که پکن تلاش‌های خود را برای نشان دادن واشنگتن به عنوان یک قدرت دو چهره و غیرمسئولانه افزایش دهد و در عین حال هرگونه انتقاد در رابطه با حقوق بشر را کنار بگذارد. از این نظر، مناقشه اسرائیل و فلسطین برای چین بسیار مفید است و چین از حمایت گسترده بین‌المللی حتی در بین برخی متحدان آمریکا برخوردار است. حمایت چین از ایران، قاطعیت بیشتر آن در سازمان‌های بین‌المللی و استفاده از اختلاف اسرائیل و فلسطین برای طعنه زدن به ایالات متحده می‌تواند مشکلاتی را برای روابط بین اورشلیم و پکن ایجاد کند و حتی اسرائیل را وادار به بررسی مجدد روابط خود با چین کند.



تأثیر اخراج امریکا از افغانستان بر رژیم صهیونیستی



رویداد

در زمان دولت ترامپ مذاکرات صلح بین امریکا و طالبان در دوحه قطر برگزار شد و توافقنامه ای امضاء شد مبنی بر اینکه نیروهای آمریکایی تا فوریه ۲۰۲۱م به طور کامل از افغانستان خارج شوند. رئیس جمهور جو بایدن در ۸ جولای ۲۰۲۱ (۱۷ تیر ۱۴۰۰)، با یک تأخیر حدوداً شش ماهه ، از تعهد خود به توافق نامه فوق خبر داد و تأکید کرد که بعد از گذشت ۲۰ سال ، در اواخر ماه اگوست ۲۰۲۱م ، خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان کامل خواهد شد و فقط ۶۵۰ نفر از نیروهای نظامی جهت حفاظت از سفارتخانه امریکا در کابل باقی خواهند ماند. در حال حاضر نیز حدوداً ۹۵ درصد از پایگاه‌ها و نیروهای آمریکایی در افغانستان به طور کامل تخلیه شده است. و صرفاً بین ۳۰۰۰ تا ۵۰۰۰ نیروی نظامی آمریکایی صرفاً جهت حفظ امنیت خروج کارکنان آمریکایی از کابل در این شهر در حال ماموریت هستند.

حال سوال اصلی این است که: آیا مجدداً افغانستان به عنوان پایگاهی برای حملات علیه خاک امریکا و منافع حیاتی اش تبدیل خواهد شد؟ خروج امریکا از افغانستان چه تاثیری بر منطقه و به ویژه اسرائیل خواهد داشت؟

تحلیل

ایالات متحده آمریکا ظاهراً متعهد شده است که در صورت حمله مجدد به خاک خودش واکنش سخت نشان دهد اما این مساله از شدت نگرانی متحدینش در منطقه نخواهد کاست. کشورهای منطقه به ویژه متحدین غرب با توجه به خلأ ناشی از خروج امریکا از افغانستان نگران تحولات آینده هستند. احیاء مجدد القاعده در افغانستان، تسلط بسیار سریع و غیر منتظره طالبان بر افغانستان و فتح کابل و فروپاشی ارتش و دولت غربگرای افغانستان، افزایش احتمال تقویت نوعی گفتمان مقاومت علیه غرب و رژیم صهیونیستی در پی خروج امریکا از افغانستان و...همگی متحدین منطقه ای غرب از جمله اسرائیل را به شدت نگران ساخته است.

به عبارت دیگر خروج امریکا بعد از بیست سال از افغانستان، شکست شوروی از مجاهدین اسلامگرای افغانستان و خروج آن و احیاء و بسط حاکمیت گروه اسلامگرای طالبان بر افغانستان و



نهایتاً تاسیس یک حکومت اسلامی، می‌تواند به ایجاد نوعی گفتمان مقاومت اسلامی علیه غرب سکولار و ابرقدرت‌های مستکبر بیانجامد که تاثیرات و پیامدهای عمیق و جدی در سطح منطقه و عرصه بین‌الملل خواهد داشت. این روایت و قرائت جدید از مقاومت می‌تواند گفتمان و راهبرد مقاومت علیه رژیم صهیونیستی را تقویت کند و احتمالاً با گفتمان موجود «محور مقاومت» با محوریت ایران اسلامی و انقلابی در منطقه هم‌افزایی داشته باشد.

لازم به ذکر است که در صورت هم‌افزایی و همسویی حکومتی اسلامگرا و مقاومتی در افغانستان با ایران اسلامی و انقلابی به عنوان هسته اصلی مقاومت ضد اسرائیلی در منطقه، شاهد افزایش بسیار موثر عمق استراتژیک و ژئوپلیتیک محور مقاومت در منطقه علیه رژیم صهیونیستی خواهیم بود که تاثیرات بسیار عمیق و موثر راهبردی داشته و معادلات در سطح منطقه را علیه اسرائیل به شدت تغییر خواهند داد. این هم‌افزایی و همسویی ایران و افغانستان اسلامگرا و مقاومتی به شدت برای سایر گروه‌های اسلامگرا در منطقه الهام بخش خواهد بود و موجب بسط و تعمیق گفتمان و راهبرد مقاومت ضد استکباری در منطقه خواهد شد. با توجه به حضور تاریخی القاعده در افغانستان و روابط قدیمی طالبان و القاعده که به دوران مبارزه مجاهدین افغان با شوروی باز می‌گردد احتمال حضور و احیاء مجدد القاعده در افغانستان و نقش آفرینی جهانی آن علیه آمریکا و اسرائیل وجود دارد که سبب نگرانی آنهاست.

منتقدان تصمیم خروج آمریکا از افغانستان معتقدند که بیرون رفتن همه نیروهای آمریکا از افغانستان و خلأ اطلاعاتی و نظامی ناشی از خروج نیروهای آمریکایی در افغانستان منجر به تصرف سریع افغانستان توسط طالبان و استقرار مجدد یک دولت افراطی و اسلامگرا در افغانستان شده است و احتمال این که افغانستان مجدداً به پایگاه سازمانهای تروریستی تبدیل شده و حمله مجدد به خاک آمریکا همانند واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ م صورت بگیرد، افزایش یافته است.

بنابراین دولت آمریکا و شخص جو بایدن به شدت زیر انتقاد جدی مخالفین این نحو خروج آمریکا از افغانستان قرار دارد و حتی ترامپ خواهان استعفای وی شده است. البته تصمیم آمریکا مبنی بر خروج نیروهای نظامی اش از افغانستان علی‌رغم نگرانی‌های جدی که استراتژیست‌های آنان ابراز می‌کنند، بیانگر رویکرد راهبردی آمریکا مبنی بر تمرکز بر حوزه اقیانوس آرام و آسیای شرقی و به ویژه «چین» است که از زمان ریاست جمهوری اوباما طی سال‌های ۲۰۰۹ م الی ۲۰۱۲ م شکل گرفت و ادامه دارد. منافع بین‌المللی آمریکا ایجاب می‌کند که این کشور بر دشمن طراز اول و بین‌المللی خود یعنی چین متمرکز شود و حضور و تمرکز هزینه ساز سیاسی، نظامی، اقتصادی و انسانی خود را در مناطق دیگر به ویژه خاورمیانه کاهش داده و آن را هدفمند سازد.

لازم به ذکر است که طی ۲۰ سال حضور آمریکا در افغانستان، ایالات متحده حدود یک





تریلیون دلار (هزار میلیارد دلار) در آنجا هزینه و سرمایه گذاری نظامی و غیر نظامی کرده است. از جانب دیگر طالبان نیز نسبت به سال ۱۹۹۶م تغییراتی کرده و از گذشته درس آموخته لذا در ماه‌های اخیر با نمایندگان روسیه، ایران، ترکیه و چین باب گفتگو را باز کرده است. لذا در حال حاضر در سطح بین الملل به عنوان یک نیروی سیاسی به رسمیت شناخته شده و دارای درجه ای از مشروعیت است.

نتیجه گیری

طالبان با خروج امریکا از افغانستان موفق به تسخیر بسیار سریع افغانستان و فتح کابل شد. لذا در صورت تشکیل یک حکومت اسلامی (امارت اسلامی) آنگاه سه واقعه اخراج شوروی و اخراج امریکا به عنوان دو ابرقدرت مادی گرای جهان و تشکیل یک حکومت اسلامی در افغانستان احتمال شکل گیری و تقویت یک نوع گفتمان مقاومتی ضد استکباری و ضد صهیونیستی جدید در منطقه را افزایش داده که می تواند موجب نگرانی شدید و جدی آمریکا و متحدین منطقه ای اش به ویژه اسرائیل گردد. خلاصه حاصل از خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان یک چالش سیاسی، نظامی و اقتصادی برای کشورهای منطقه به ویژه متحدین منطقه ای آمریکا ایجاد خواهد کرد. از جانبی دیگر اگر درگیری های میان طالبان و نیروهای دیگر سیاسی و نظامی اوج بگیرد و کشور به سمت جنگ داخلی حرکت کند، احتمال کشیده شدن آن در قالب اقدامات گوناگون به ویژه فعالیت های تروریستی به کشورهای همسایه، منطقه و حتی سطح بین المللی نیز وجود دارد. اکنون القاعده نیز در افغانستان حضور دارد و به نظر نمی رسد طالبان عزم جدی برای اخراج آنان از افغانستان داشته باشند لذا حضور و فعالیت این گروه اسلامگرای مبارز نیز به ویژه در سطح بین المللی و علیه منافع آمریکا و رژیم صهیونیستی به نگرانی های امریکا و متحدینش خواهد افزود.

از جانبی دیگر مواجهه طالبان با داعش افغانستان (داعش خراسان) و توانایی طالبان در مهار و مبارزه با آن نیز می تواند به پیچیدگی های صحنه افغانستان بیافزاید. در صورت بی ثباتی در افغانستان و نقض حقوق بشر و حقوق زنان دولت جو بایدن به علت تصمیمش مبنی بر خروج نامناسب و محاسبه نشده نیروهای آمریکایی از افغانستان از سوی مقامات امریکایی و به ویژه جمهوری خواهان مورد انتقادات جدی قرار خواهد گرفت که می تواند در سرنوشت سیاسی وی و دولتش موثر باشد و قطعا بر رژیم صهیونیستی نیز تاثیر گذار خواهد بود.

مهمتر از همه اینکه خروج امریکا از افغانستان پیام روشن و آشکاری به متحدین منطقه ای امریکا به ویژه در حوزه خلیج فارس ارسال خواهد کرد مبنی بر اینکه آمریکا روند کاهش سرمایه گذاری های نظامی، امنیتی، اقتصادی و سیاسی خود را در منطقه آغاز کرده است و متحدین منطقه ای امریکا باید





خود بار نظامی و اقتصادی و امنیتی که امریکا متحمل می‌شد باید بر عهده گیرند. لذا با خروج امریکا از افغانستان که نشانگر افزایش احتمال کاهش نیروهای نظامی امریکا از کشورهای دیگر منطقه قلمداد می‌شود، ضرورت استمرار فرایند عادی سازی نزد متحدین منطقه ای ایالات متحده بیش از پیش احساس خواهد شد. بنابراین احتمالا کشورهای عربی و اسلامی جدیدی به عادی سازی روابط با رژیم صهیونیستی اقدام خواهند کرد. این تمایل به گسترش فرایند عادی سازی دو طرفه هم از سوی اسرائیل و هم از سوی کشورهای عربی و اسلامی متحد غرب خواهد بود. از جانبی دیگر چون خروج یا کاهش نیروهای امریکا از منطقه چالش‌های متعدد سیاسی، نظامی، امنیتی، فرهنگی، اطلاعاتی و اقتصادی ایجاد خواهد کرد لذا معاهدات عادی سازی آینده نیز صرفا جنبه سیاسی و امنیتی نخواهند داشت بلکه متنوع تر خواهند شد و به مشارکت و روابط متقابل فیما بین در بخش‌های نظامی، امنیتی، اطلاعاتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی گسترش خواهند یافت.



چیستی تصوف در افغانستان



رویداد

فرهنگ عرفان و تصوف ریشه‌های سترگی میان اقوام مختلف افغانستان دارد و بدون شناخت آن نمی‌توان به درکی درست از پویش‌های مذهبی در این کشور رسید. این مسئله هم اکنون بیش از پیش جالب توجه شده است، زیرا طالبان نیز در بن‌مایه‌های فکری و اخلاقی خود متأثر از تصوف هستند؛ از این رو باید تصوف در افغانستان را بهتر و عمیق‌تر شناخت. جالب است که در اولین جمعه حضور طالبان در هرات، قاضی بلندپایه این گروه در سخنرانی پیش از خطبه‌ها مردم را به اخلاق تصوف فراخواند و گفت خود در طریقتم.

تحلیل رویداد

خراسان بزرگ از مهم‌ترین گهواره‌های عرفان و تصوف در تمدن اسلامی بوده است و صوفیان متعددی در این سرزمین بر جان‌ها و قلب‌های مردم بذر توحید و محبت و تقوا و خداترسی پاشیده‌اند از ابوسعید ابوالخیر و حکیم ترمذی تا طریقت‌های بزرگی که در قرن‌های بعدی شکل گرفتند. در چند سده اخیر چهار طریقت بزرگ در افغانستان فعالیت داشته‌اند و کمتر چهره فرهنگی و دینی در این کشور را می‌توان یافت که به‌نحوی متأثر از تصوف و طریقت‌های بزرگ آن نبوده باشد. این چهار طریقت عبارت‌اند از: قادریه، نقشبندیه، چشتیه و سهروردیه.

قادریه

طریقت قادریه ابتدا در بغداد قرن شش هجری توسط شیخ عبدالقادر گیلانی ملقب به غوث الاعظم بنیان گذاشته شد؛ سپس توسط شاگردان و مریدان اقطاب قادری طی سده‌ها از غرب آفریقا تا هندوستان تا آسیای جنوب شرقی و از سودان تا قفقاز و ماوراءالنهر و بالکان منتشر شد.

اهل این طریقت خدمات زیادی به شعر عرفانی نیز کرده و با استفاده از شعر و هنر به نشر تعالیم خود پرداخته‌اند. پیروان قادریه در سرودن شعر برای اهل بیت عصمت و طهارت نیز بسیار فعال بوده‌اند؛ برای مثال شاعره پشتوزبان قادری، عایشه درّانی، اشعار نغزی به زبان فارسی درباره حضرت علی (ع) و امام حسین (ع) سروده است یا در فاصله‌ای نه چندان دور از افغانستان در



تاجیکستان کنونی شاعری از طریقت قادریه زندگی می‌کرد که اشعار او در رثای امام حسین (ع) هنوز هم زینت‌بخش مجالس و محافل حسینی در آن کشور است. مولوی جنونی (قلندر شاه بن شاه صاحب) که پدرش اهل پوشنج در نزدیکی هرات بود و خود در دهنو (ازبکستان کنونی) به دنیا آمده بود، در قرن نوزدهم میلادی به منطقه حصار تاجیکستان و در نهایت حدود شهر وحدت امروزی آمد.^۱ او با اشعار کربلایی و حسینی خود نقش مهمی در تعمیق حب اهل بیت به‌ویژه در منطقه وحدت داشته و اساساً هجرت او به این سرزمین آثار زنده و پویای مهمی تا همین امروز از خود برجای گذاشته است.

امروز مزار او در روستای «راحتی» زیارتگاه مردم منطقه است. روستای مجاور آن به نام نیکان که سکنه آن عمدتاً از سادات هستند، مسجد روستای خود را به نام مسجد امام خمینی (ره) نامیده‌اند، هر چند متأسفانه دولت اجازه نصب تابلویی با این نام را به سکنه نداده است. مولوی جنونی با آموزه‌های عرفانی و اشعار کربلایی خود سنت موسوم به کربلاخوانی را در تاجیکستان پایه‌گذاری کرد یا به آن رونق بیشتری داد.^۲ از اشعار او است:

هیچ دانی که به فرزند پیامبر چه گذشت؟	به نور دو دیده فاطمه و حیدر چه گذشت؟
یکی در زهر شده سبز یکی سرخ به خون	که ز آشوب جهان با دو برادر چه گذشت؟
سر شهزاده به ظلم از تن او گشت جدا	غرقه خون شده آلوده به اخگر چه گذشت؟
چشم شهلاش به خونریز گلو پوشیده	از غم چرخ به آن پاکیزه گوهر چه گذشت؟
روی رخساره‌اش از خون گلگون	به رسول زاده ز دنیای ستمگر چه گذشت؟

در چند قرن اخیر قادریه به‌شدت میان پشتون‌ها رواج یافته و با ابعاد گوناگونی از زندگی ایشان ممزوج شده است.

نقشبندیه

این طریقت در بخارای قرن هشتم توسط خواجه بهاء‌الدین محمد بن محمد بخاری ملقب به بهاء‌الدین نقشبند (۷۹۱-۷۱۸ ه.ق) پایه‌گذاری شد. این طریقت که اهتمام زیادی به حضور پیروانش در سطح جامعه و فعالیت‌های آنها ضمن توجه درونی به خداوند دارد (خلوت در

۱. پدر او از پوشنگ به دهنو که امروز در ولایت سرخان دریای ازبکستان واقع شده است مهاجرت کرد و در نهایت او به‌علت مشکلاتی که از سوی برادرش برای او ایجاد شد، به مناطق روستایی شرق‌تر، یعنی محدوده امروزی تاجیکستان مهاجرت کرد.

۲. سیف فرغانی نیز در محیط دره فرغانه حدود هشتصد سال پیش سروده بود:

ای قوم در این عزا بگریید
بر کشته کربلا بگریید...





انجمن)، به مرور فراگیرترین طریقه در ماوراءالنهر شد و سپس هرات به مرکزی برای این طریقت تبدیل شد (به‌ویژه با حضور نورالدین عبدالرحمن جامی و امیرعلیشیر نوایی در این شهر).

طریقت نقشبندیه در مقایسه با سایر طریقت‌های تصوف، رنگ و بوی اهل سنت بودن بیشتری دارد (برخلاف بسیاری از طریقت‌ها که معمولاً در برخی اصول شباهت‌های بسیاری به تشیع پیدا می‌کنند). به هر حال در تعالیمی که بعضاً در مساجد و خانه‌ها در باره اصول نقشبندی و دستورهای آن همچون خلوت در انجمن و سفر در وطن و دست به کار و دل به یار و ... داده می‌شود، و نیز مطالعه کتب عبدالرحمن جامی (کتبی همچون بهارستان و نفحات الانس) این طریقت نیز می‌تواند باعث تعمیق معرفت اسلامی و توجه بیشتر به دستورهای اخلاقی اسلام شود و از این رهگذر به سدی در برابر افکار سطحی و هابیت تبدیل گردد. افکاری که در خلأ وجود معارف بلند دینی جذاب جلوه کرده و صاحبان آنها با سوءاستفاده از فضای پرابهام فکری، به جذب جوانان مذهبی به سوی خود می‌پردازند.

چشتیه

چشتیه طریقتی با رنگ و بوی شیعی فراوان است (با وجود اینکه بیشتر پیروانش در فقه حنفی هستند). این طریقت در چشت شریف هرات در اواخر قرن سه و اوایل قرن چهار توسط ابواسحاق شرف‌الدین شامی پایه‌گذاری شد و البته مانند سایر فرق تصوف نسب‌نامه طریقتی تا حضرت علی (ع) و تا پیامبر اکرم (ص) دارد. این طریقت را خواجه معین‌الدین سجزی در هند گسترش داد و امروز هم میلیون‌ها نفر در شبه‌قاره پیرو این طریقت هستند. این طریقت در کابل (خانقاه خواجه غریب نواز) و هرات (در پل رنگینه) و ... دارای خانقاه است.

سهروردیه

گفتنی است آثار و کتب مهم طریقت سهروردیه در خانقاه‌های مختلف آموزش داده می‌شود، اما این طریقت به شکل یک طریقت منسجم در افغانستان مشاهده نمی‌شود.

نتیجه‌گیری

عرفان و تصوف میان همه اقوام افغانستان دارای جایگاهی رفیع است و از آنجا که آموزه‌های طریقت‌های چهارگانه در افغانستان مبین و مبلغ اخلاق اسلامی و توحید و اخلاص در راه خدا و تقریب میان مسلمانان است، یک ظرفیت بالقوه برای ترویج معارف صحیح در این کشور و اصلاح رفتارهای تندروانه یا کندروانه است. در انتها گفتنی است طالبان در دوران حکومت پیشین ممانعتی در راه تصوف ایجاد نکرده بود و بسیاری بزرگان آن خود به‌نحوی متأثر از تصوف بوده‌اند. بعضاً



رفتارهای نادرست و غیرشرعی در خانقاه‌های کوچک دیده شده که طبیعی است جلوی کارهایی از این دست گرفته خواهد شد؛ اما مسئله موسیقی عرفانی مسئله اختلافی است و مشخص نیست رویکرد طالبان نسبت به آن دقیقاً چگونه باشد.



بررسی واکنش سازمان‌های بین‌المللی، آمریکا و اتحادیه اروپا به تحولات اخیر افغانستان



رویداد

امروز وضعیت افغانستان به پیچیده‌ترین حالت ممکن خود رسیده است. طی روزهای گذشته طالبان همه مناطق افغانستان را به سیطره خود درآورد و حکومت را در اختیار گرفت. در پی این تحولات در افغانستان، برخی کشورهای عضو اتحادیه اروپا، مقامات آمریکایی و مسئولان سازمان ملل موضوع‌گیری‌های متفاوتی اتخاذ و در بسیاری موارد آشوب‌های داخلی افغانستان را محکوم کردند. هدف این نوشتار بررسی و تحلیل مواضع نهادهای یادشده در برابر تحولات اخیر افغانستان است.

تحلیل رویداد

هم‌زمان با پیشروی‌های سریع نیروهای طالبان در افغانستان و تسلط بر کل این کشور، جوزپ بورل، رئیس دستگاه سیاست خارجی اتحادیه اروپا، با صدور بیانیه‌ای، طالبان را به توقف خشونت‌ها دعوت کرد. بورل به طالبان هشدار داد در صورت به قدرت رسیدن با زور، در عرصه جهانی منزوی خواهند شد، کمک بین‌المللی دریافت نخواهند کرد و با چشم‌انداز یک جنگ طولانی و ناپایداری عمیق در افغانستان روبه‌رو خواهند بود. بورل حملات طالبان را نقض آشکار تعهد این گروه برای مشارکت در گفت‌وگوهای روند صلح دوحه توصیف و افزایش نقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه و حقوق بشر، به‌ویژه در مناطق تحت کنترل طالبان را محکوم کرد. وی در همین بیانیه هشدار داد که گرچه اتحادیه اروپا مایل به ادامه همکاری و حمایت از مردم افغانستان است، اما اعطای کمک‌ها به حل و فصل صلح‌آمیز و فراگیر مخاصمه مشروط است. این راه‌حل باید حقوق همه شهروندان، از جمله زنان، جوانان و اقلیت‌ها را تضمین کند.^۱

خبرگزاری رویترز نیز اعلام کرد که‌هایکو ماس، وزیر امور خارجه آلمان، هشدار داد در صورت به قدرت رسیدن طالبان در افغانستان و به اجرا درآمدن قوانین و شریعت اسلام، حمایت‌های مالی برلین از کابل قطع خواهد شد. ماس گفت کشورش سالانه ۴۳۰ میلیون یورو

۱. خبرگزاری یورونیوز، «هشدار اتحادیه اروپا به طالبان: اگر با زور به قدرت برسید، در جهان منزوی خواهید شد»، ۲۰۲۱/۰۸/۱۲، <https://per.euronews.com/2021/08/12:۲۰۲۱/۰۸/۱۲>



۵۰۵) میلیون دلار) به افغانستان کمک مالی می‌کند، اما در صورت به قدرت رسیدن طالبان در این کشور و اجرای قوانین اسلامی، حتی یک سنت هم پرداخت نخواهد کرد و کمک مالی را متوقف خواهد کرد.^۱

روزنامه گاردین هم به نقل از بن والاس، وزیر دفاع انگلیس، گفت که کشورش قصد دارد مکان سفارتخانه‌اش را در کابل از حومه منطقه سبز به محل بالقوه امن‌تری نزدیک مرکز پایتخت انتقال دهد و برای تضمین خروج امن دیپلمات‌ها، نظامیان، شهروندان و همچنین تعداد چهار هزار نفر از کارکنان افغانی‌الاصل سفارت انگلیس از افغانستان، ۶۰۰ نظامی دیگر به این کشور اعزام خواهد کرد و اگر طالبان از القاعده میزبانی و به انگلیس و متحدانش حمله کند، ما ممکن است به افغانستان بازگردیم.^۲

با این حال بوریس جانسون، نخست‌وزیر انگلیس که خواستار یک جلسه اضطراری درباره وضعیت وخیم امنیتی در افغانستان شده بود، در اظهار نظری متناقض و مخالف با بن والاس، وزیر دفاع انگلیس، تأکید کرد که انگلیس گزینه مداخله نظامی در افغانستان را بررسی نمی‌کند. نخست‌وزیر انگلیس به اسکای نیوز گفت: فکر می‌کنم که ما در شرایط کنونی نباید به دنبال گزینه نظامی یا جنگی باشیم. آنچه ما قطعاً می‌توانیم انجام دهیم این است که با همه شرکای خود در منطقه و در سراسر جهان همکاری کنیم که به ما در جلوگیری از تبدیل مجدد افغانستان به مکانی برای پرورش تروریسم یاری دهند.^۳

پس از آمریکا و انگلیس، نیروهای ویژه کانادایی نیز برای تخلیه کارکنان دیپلماتیک و اتباع این کشور عازم افغانستان شدند. کانادا اعلام کرده است که برای کمک به روند خروج و تخلیه کارکنان دیپلماتیک و اتباع این کشور از افغانستان، تعدادی از نیروهای ویژه این کشور را اعزام کرده است. هارگیت سینگ ساجان، وزیر دفاع کانادا، در گفت‌وگو با خبرنگاران تأیید کرد که نظامیان ویژه این کشور برای تخلیه کارکنان دیپلماتیک و اتباع این کشور به افغانستان اعزام شده‌اند. به گزارش گلوبال نیوز، وزیر دفاع کانادا، با تأیید این موضوع، به علت مسائل امنیتی از ارائه جزئیات بیشتر خودداری کرد.^۴

سفارت دانمارک در کابل نیز اعلام کرد ۴۵ شهروند افغان را که برای دولت دانمارک کار

۱. خبرگزاری صداوسیما، «آلمان: در صورت پیروزی طالبان، کمک مالی خود را متوقف می‌کنیم»، ۲۱ مرداد ۱۴۰۰ / <https://www.iribnews.ir/fa/news/3191486>

۲. خبرگزاری ایرنا، «هشدار اتحادیه اروپا به طالبان»، ۲۲ مرداد ۱۴۰۰، www.irna.ir/news/84435422

۳. خبرگزاری تسنیم، «انگلیس: مداخله نظامی در افغانستان را بررسی نمی‌کنیم»، ۲۳ مرداد ۱۴۰۰: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/05/23/2554367>

۴. خبرگزاری تسنیم، «نیروهای ویژه کانادایی عازم افغانستان شدند»، ۲۳ مرداد ۱۴۰۰: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1400/05/23/2554421/>





می‌کنند از افغانستان خارج می‌کند. با این حال قرار است خروج این افراد تدریجی و به‌نحوی باشد که کارکرد دیپلماتیک سفارت تضمین شود.

منابع آگاه به رسانه‌ها گفته‌اند که آمریکا نیز احتمالاً بخشی از کارکنان سفارت خود در افغانستان را از این کشور خارج خواهد کرد. نشریه آمریکایی پولیتیکو به نقل از سه مقام ارشد دولت آمریکا گزارش داده بود که انتقال سفارت آمریکا در کابل و تخلیه دیپلمات‌ها از این کشور تا پایان ماه جاری میلادی صورت می‌گیرد. جان کری، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا، گفته است ۳۰۰۰ نظامی ارتش آمریکا در کابل مستقر خواهند شد. وی تأکید کرد استقرار این نیروها موقت خواهد بود و مأموریت آنها تنها بر کمک به کاهش نیروهای سفارت و تسریع روند صدور روادید برای مترجمان افغانستانی و دیگران است و واشنگتن قصد ندارد بار دیگر در جنگ مداخله کند. نکته بسیار درخور تأمل این است که شبکه سی‌ان‌ان با انتشار گزارشی اعلام کرد سفارت ایالات متحده در کابل به کارکنان خود دستور داده است تا وسایل و اطلاعات محرمانه را نابود کنند.

سی‌ان‌ان می‌گوید کارکنان سفارت ایالات متحده همچنین موظف شده‌اند وسایلی که ممکن است برای اهداف تبلیغاتی مورد سوءاستفاده قرار گیرند، از جمله پرچم‌های ایالات متحده و نشان‌های دولتی و نظامی این کشور را نابودکنند.^۱

بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا، به رغم پیشروی‌های طالبان در افغانستان، اعلام کرد از تصمیم خود برای بیرون بردن نظامیان آمریکایی از افغانستان پشیمان نیست. وی با بیان اینکه واشنگتن در ۲۰ سال گذشته بیش از یک تریلیون دلار در افغانستان هزینه کرده و بیش از ۳۰۰ هزار نیروی نظامی و امنیتی افغان را آموزش داده و به تجهیزات امروزی مجهز کرده است، تأکید کرد سران افغانستان باید متحد و گرد هم جمع شوند و برای خود و ملت‌شان بجنگند.

به گزارش خبرگزاری رویترز، یک مقام ارشد اتحادیه اروپا گفت طالبان به وعده خود مبنی بر تلاش برای صلح به‌منظور دستیابی به یک توافق سیاسی که نوعی حکومت انتقالی در این کشور را میسر می‌کند، عمل نکرده است.

برخی خبرگزاری‌ها تحرکات اخیر آمریکا در افغانستان را کودتا بیان کردند. به گزارش خبرگزاری اسپوتنیک به نقل از آریا نیوز، منابع خبری افغانستان مرتبط با نمایندگی سازمان امنیت آمریکا (سی‌آی‌ا)، از برنامه ایالات متحده برای اجرای یک کودتای خاموش در ارگ ریاست‌جمهوری این کشور خبر می‌دهند.^۲

۱. خبرگزاری یورو نیوز، «سفارت آمریکا به کارمندان در کابل: وسایل و اسناد حساس را نابود کنید»، <https://per.euronews.com/2021/08/13/2021/08/14>

۲. خبرگزاری اسپوتنیک، «رسانه افغانستانی ادعا کرد که آمریکا در پی انجام کودتا در این کشور است»، <https://sptnkne.ws/Hagu> :۲۰۲۱/۸/۱۳





در خصوص واکنش سازمان ملل به حوادث اخیر افغانستان نیز باید اشاره کرد استفان دوجاریک، سخنگوی دبیرکل سازمان ملل، در نشست خبری در نیویورک درباره تحولات افغانستان گفت: دبیرکل سازمان ملل، آنتونیو گوترش، عمیقاً از تحولات جاری افغانستان نگران است و بر ضرورت دستیابی طرف‌های درگیر در این کشور به توافق سیاسی تأکید دارد. وی تأکید کرد: واضح است که کشیده شدن نبرد به شهری در اندازه کابل تأثیرات فاجعه‌باری برای غیرنظامیان خواهد داشت. ما بسیار امیدواریم که این اتفاق نیفتد. سخنگوی دبیرکل سازمان ملل متحد همچنین گفت که هرگونه تحقیق درباره مرگ غیرنظامیان باید بی‌طرفانه و مستقل از طرفین درگیر باشد.^۱ میشل باشله، کمیساری عالی حقوق بشر سازمان ملل، با توجه به اینکه همچنان تلفات غیرنظامیان در افغانستان رو به افزایش است و انتشار گزارش‌هایی درباره تخطی‌هایی که ممکن است به جنایت جنگی و جنایت علیه بشریت منجر شود، در خصوص بروز فاجعه علیه مردم افغانستان هشدار داد. وی گفت: ما می‌دانیم که جنگ شهری منجر به کشته شدن تعداد زیادی از غیرنظامیان می‌شود. ما قبلاً این موارد را بسیار دیده‌ایم. کمیساری عالی حقوق بشر سازمان ملل افزود: در افغانستان از ۹ ژوئیه در چهار شهر لشکرگاه، قندهار، هرات و قندوز دست‌کم ۱۸۳ غیرنظامی کشته و ۱۱۸۱ نفر از جمله کودکان زخمی شده‌اند. این فقط تلفات غیرنظامیان است که ما موفق به ثبت آن شده‌ایم. ارقام واقعی بسیار بیشتر است.^۲

خبرگزاری روسیا الیوم هم مطرح کرد که توماس نیکلاسون، فرستاده ویژه اتحادیه اروپا در منطقه، در اظهاراتی به کانال آریانا نیوز گفت: «اگر طالبان بخواهند قدرت را با گزینه زور نظامی به دست بگیرند، اتحادیه اروپا و بیشتر کشورهای منطقه آنها را به رسمیت نمی‌شناسند و براساس این سناریو، اتحادیه اروپا از ارائه کمک به افغانستان دست خواهد کشید.» نیکلاسون همچنین با ابراز نگرانی بروکسل از تحولات اخیر در افغانستان، از هر دو طرف درگیری خواست تا برای پایان دادن به درگیری‌های جاری بین نیروهای دولتی و شبه‌نظامیان طالبان انعطاف نشان دهند.

نتیجه‌گیری

به‌طور خلاصه می‌توان گفت تحرکات سیاسی و نظامی آمریکا و اتحادیه اروپا در افغانستان افزایش پیدا کرده است. با آغاز خروج نیروهای نظامی آمریکا از افغانستان و پس از شروع تحرکات طالبان برای تصرف حکومت افغانستان، آمریکا و اتحادیه اروپا جلسات و نشست‌های بین‌المللی را برای



۱. خبرگزاری ایرنا، «سازمان ملل درباره تحولات افغانستان ابراز نگرانی کرد»، ۲۳ مرداد ۱۴۰۰: <https://www.irna.ir/news/84435995>

۲. خبرگزاری ایسنا، «کمیساری عالی حقوق بشر: طرف‌های درگیر در افغانستان به جنگ پایان دهند»، ۱۹ مرداد ۱۴۰۰: <https://www.isna.ir/news/1400051914080>



بررسی اوضاع افغانستان با حضور همه طرف‌های درگیر در این کشور برگزار کرده‌اند. نمایندگان ویژه ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ناتو، نروژ و انگلیس در ۲۲ ژوئیه ۲۰۲۱ در رم، پایتخت ایتالیا، نشستی برگزار کردند تا اوضاع افغانستان و تحولات صلح در این کشور را مورد بحث و تبادل نظر قرار دهند. خروجی بیشتر این جلسات و دیدگاه فعلی اروپا و آمریکا در خصوص اوضاع افغانستان (که در واقع فقط در حد بیانیه باقی مانده است و هیچ‌گاه عملیاتی و اجرایی نشد و در موارد متعددی هم مشکلات زیادی برای مردم افغانستان ایجاد کرد) این بوده است که کشورها و سازمان‌های آمریکایی و اروپایی در ظاهر اعلام می‌کنند که متعهد به مشارکت قوی در افغانستان هستند و تحولات جاری در مرحله جدید پس از خروج نیروهای بین‌المللی را از نزدیک رصد می‌کنند.



چرا طالبان با سرعت پیشروی کرد؟



رویداد

آمریکایی‌ها گفته بودند گروه طالبان می‌تواند بین شش ماه تا یک سال آینده بر افغانستان تسلط پیدا کند، اما برخلاف تحلیل دستگاه‌های اطلاعاتی و نظامی آمریکا، جنبش طالبان ظرف چند روز به کابل رسید. پیشتر سی‌ان‌ان در گزارشی نوشته بود: سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا، فرماندهان نظامی و اعضای کنگره هشدار داده‌اند که دولت افغانستان بدون پشتیبانی ارتش آمریکا قادر به ایستادگی در برابر طالبان نخواهد بود. طالبان به سرعت در حال تصرف مناطق شمالی افغانستان است و فرماندهان ارتش آمریکا وقوع جنگ داخلی پس از خروج نیروهای آمریکایی را محتمل می‌دانند. طبق ارزیابی‌های اطلاعاتی، به‌طور فزاینده‌ای احتمال دارد طالبان بر دولت غنی غلبه کند و کنترل کشور را دوباره به دست بگیرد. به گفته افراد مطلع در این ارزیابی‌ها، جدول زمانی احتمالی تسخیر افغانستان توسط طالبان از ۶ تا ۱۲ ماه تعیین شده است.

تحلیل رویداد

در طول سال‌های گذشته دیدیم که ارتش افغانستان عملاً متکی به پشتیبانی هوایی، قادر به مقابله با طالبان است و روی زمین به‌علت نحوه فعالیت چریکی طالبان و نیز روحیه جنگندگی بیشتر نیروهای طالب، ارتشی‌ها موفقیت چندانی در برابر آنان کسب نمی‌کردند. در روزهای اخیر نیز ارتش افغانستان در بسیاری از مواقع از پشتیبانی هوایی برخوردار بود؛ برای مثال در هرات و قندهار جنگنده‌ها و بمب‌افکن‌های آمریکایی نیز به کمک نیروی زمینی ارتش آمدند؛ اما در نهایت نیروهای طالب به لطف چندین عامل توانستند وارد شهرها شوند و مقرهای اصلی حکومتی را به تصرف خود درآورند. انگیزه جنگیدن نداشتن شماری از ارتشی‌ها (به‌علت فساد زیاد مسئولان آن و احساس حرکت در مسیر نادرست) از عوامل تسلیم آنان بوده است. اما بعضاً از دستور تسلیم شدن و وجود یک توطئه مطرح سخن گفته می‌شود که البته سندی برای آن موجود نیست؛ بنابراین باید فعلاً با دیده تردید به آن نگریست تا اسناد و مدارک بیشتری به دست آیند و بررسی شوند. اما از لحاظ اجتماعی عواملی وجود دارند که آشکارا از تحولی خاص در جامعه افغانستان حکایت دارند و می‌توان آنها را عوامل اجتماعی پیروزی طالبان نامید:



۱. کارنامه پنج سال اخیر طالبان: طالبان در سال‌های اخیر بر جغرافیای وسیعی از افغانستان تسلط یافتند؛ به نحوی که در یکی دو سال آخر تقریباً نیمی از کشور و کمتر از یک سوم جمعیت کشور در قلمرو طالبان می‌زیستند و حتی نیمی از مرز ایران و افغانستان در اختیار طالبان بود. کارنامه طالبان در این چند سال نسبتاً موفق بود. نه در مرز با همسایگان مشکلی داشت و نه قلمروش مانند قلمرو دولت، سرشار از دزدی، آدم‌ربایی، رشوه‌گیری و ناامنی بود. بنابراین بخشی از مردم به اموری مثل موفقیت طالبان در مبارزه با فساد و ایجاد امنیت متمایل می‌شدند و پایگاه اجتماعی طالبان افزایش می‌یافت.

۲. کاخ‌نشینی رهبران، فرماندهان و مدیران سیاسی دولتی: اشرف غنی و تیمش از یک سو، دکتر عبدالله و تیمش از سوی دیگر و صدها بزرگ حکومتی دیگر در سال‌های اخیر به بزرگ‌ترین متمرکزین جامعه تبدیل شده بودند. بخشی از رهبران موسوم به جهادی نظیر مارشال دوستم و محمدنور عطا نیز چنین وضعیتی داشتند. منزل مارشال دوستم و در واقع کاخ او به گونه‌ای بود که شاید کمتر نظیری برای آن بتوان در افغانستان پیدا کرد. تنها نگاهی به فهرست غنایمی که طالبان از منزل او به دست آوردند بیانگر حجم عظیم ثروتی است که دوستم از ۲۰۰۱ به بعد برای خود گرد آورده بود:

- ۲۸ اسب گران قیمت؛

- ۵۶ موتورسیکلت؛

- سه هزار کلاش و ام ۴؛

- ۱۲ ماشین ضدگلوله؛

- ۸۸ راکت؛

- نزدیک ۱۵۰ نوع خودرو و وانت.

وقتی چنین رهبرانی با چنین سبک زندگی مردم را به خیزش عمومی دعوت می‌کردند، طبیعی بود که بسیاری از مردم انگیزه‌ای برای این کار نداشته و معتقد باشند اگر دوستم و عطا و ... می‌جنگند، برای حفظ کاخ خود می‌جنگند نه برای هدفی والا و مقدس.

۳. استفاده درست طالبان از ابزار رسانه و فعالیت سخنگویان: طالبان در سال‌های اخیر به خوبی توانسته است با رسانه حرف و مواضع خود را به بخش‌هایی از مردم منتقل کند. رادیو صدای شریعت با برنامه‌های متعدد به زبان فارسی دری، پشتو و ازبکی توانست چهره‌ای فراقومی به طالبان بخشد و به‌ویژه سرودها و کلیپ‌های تولیدشده توسط طالبان به این سه زبان میان نیروهای جوان تاجیک، پشتون و ازبک خسته از حکومت غنی رواج یابد و بر طرفداری از طالبان بیفزاید. سایت پنج‌زبانه این گروه نیز (فارسی، پشتو، اردو، عربی و انگلیسی) در کنار مجلات و فعالیت سخنگوها و طرفداران این گروه در فیس بوک و توئیتر و اینستاگرام و ... بسیار مشهود بود و مدام مواضع طالبان را در جامعه بازنشر می‌داد. نقش سخنگویان طالب نیز در فضای رسانه‌ای داخلی و خارجی بسیار حائز اهمیت





است. ذبیح الله مجاهد که اکنون پس از بیست سال چهره او دیده می شود، همواره با صدای خود در رسانه های متعدد به صورت گفت و گوی صوتی حاضر می شد و به شیوه ای درخور توجه (با استدلال و آرامی و بدون عصبانیت) از مواضع طالبان دفاع می کرد. قاری یوسف احمدی نیز تقریباً چنین نقشی داشت. دو سخنگوی دفتر سیاسی طالبان، آقایان سهیل شاهین و دکتر نعیم وردک، با تسلط بر انگلیسی و عربی در زمینه ایجاد تصویر مثبت از طالبان بسیار موفق بودند. شیرمحمد عباس استانکزی، معاون دفتر سیاسی، هم در مذاکرات و مصاحبه های متعدد به چهار زبان فارسی، پشتو، انگلیسی و عربی سخن می گفت و معمولاً مستمعین را قانع می کرد. نقش مولوی عبدالسلام حنفی علیمردان قل هم درخور توجه است؛ به ویژه که او از فرماندهان ازبک نژاد طالبان بود و اتخاذ مواضعش درباره مسائل شمال (زادگاه او) برای مردم شمال نیز می توانست جالب تر و صادق تر باشد و اقتناع بیشتری ایجاد کند.

۴. حسن رفتار طالبان حین پیشروی: برخلاف عملیات رسانه ای عجیبی که در افغانستان به ویژه ایران علیه طالبان راه افتاده بود و سخن از مباح اعلام شدن خون مردم هرات یا دزدیدن دختران دوازده ساله از منازل و ... به میان می آورد، طالبان هنگام فتح هر منطقه به گونه ای رفتار کرد که باعث تقویت پایگاه اجتماعی اش شد؛ یعنی ضمن حفظ اقتدار و ایجاد دلهره در همکاران رژیم سابق یا آمریکایی ها، با عموم مردم و حتی فرماندهان جهادی پیشین با حرمت رفتار کرد. دیدیم که در مناطق شیعه نشین هر شهر هیچ مشکلی برای عزاداری امام حسین (ع) ایجاد نشد، بلکه طالبان امنیت مراسم را به عهده گرفت و حتی مولوی های طالبان در مراسم عزاداری حاضر شدند و سخنرانی کردند. (جمع شدن پرچم های امام حسین (ع) در میدان شهر غزنی به معنی مخالفت طالبان با مراسم نبود، بلکه تنها نصب معمول پرچم های این گروه در میدان های شهرها بود که همان نیز با درک طالبان از موضوع به سرعت جبران شد و پرچم های عزاداران شیعه در کنار پرچم های ایشان در میدان نصب شد و هیچ کجا نیز در مساجد و حسینیه ها مزاحمتی و ممانعتی برای شیعیان ایجاد نکردند.)

طالبان هنگام دستگیری فردی مانند اسماعیل خان که به هر حال از رهبران جهادی مردم غرب افغانستان علیه شوروی بود و برخلاف دوستم انسان محترمی به شمار می آمد، بدون هیچ بی احترامی رفتار کردند و او را در رفتن به کابل یا ماندن در هرات مخیر ساختند که او در هرات ماند و چند شب بعد نیز به مشهد مقدس آمد.





بر اثر فساد موجود در ارتش و سیستم دولتی افغانستان، عموم سربازان ارتش انگیزه چندانی برای جنگیدن نداشتند و این امر در کنار نقش ریش سفیدان هر منطقه در اقتناع نیروهای نظامی به جنگیدن در برابر طالبان، علت اصلی ورود مسالمت آمیز آنان به بسیاری از نقاط بود. (سخن از وجود توطئه در پس تسلیم ارتش گفته می شود، ولی فعلا استنادی برای آن وجود ندارد.) از لحاظ اجتماعی نیز عواملی وجود دارند که به گسترش پایگاه اجتماعی طالبان و در نتیجه تسهیل پیروزی این گروه انجامیده بود؛ از جمله کارنامه نسبتا موفق در پنج سال اخیر در قلمرو تحت تصرف (حدود نیمی از خاک افغانستان)، کاخ نشینی فرماندهان جهادی سابق و مدیران دولتی، استفاده صحیح این گروه از ابزار رسانه و فعالیت حرفه ای سخنگویان این گروه و در نهایت حسن رفتار با مردم در مسیر پیشروی.

